خیانت به فرمانده

روایتی شنیده نشده از اسرار اسارت **حاج احمد متوسلیان**

نویسنده: **کامران غضنفریان**

انتشار یافته در هفته نامه ۹۰ دی ۷ و ۱۴ تیر ماه ۱۳۹۳

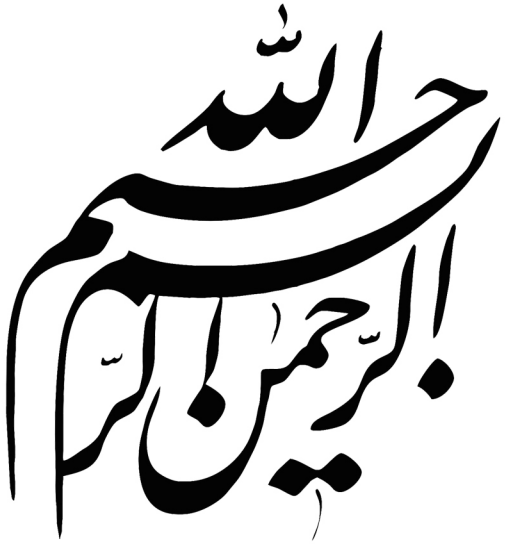
بسم الله الرحمن الرحیم

خیانت به فرمانده

روایتی شنیده نشده از اسرار اسارت حاج احمد متوسلیان

نویسنده: کامران غضنفریان

انتشار یافته در هفته نامه ۹۰ دی ۷ و ۱۴ تیر ماه ۱۳۹۳

فهرســـت مطالب

از آزادی خرمشهر تا آزادی جنوب لبنان	۴
ربودن حاج احمد در راه اجرای فرمان امام	۴
رادیو اسرائیل: طراح عملیات فتح المبین به اسارت گرفته شد!	۵
گروگان گرفتن نماینده سیا توسط حزب الله	۶
تلاش شهید همت برای آزاد کردن حاج احمد	۷
وقتی هاشمی زحمت عماد مغنیه را بر باد داد!	۷
صدور فرمان عقب نشینی در یک قدمی آزاد سازی حاج احمد!	۸
دندان کرم خورده را انداختیم دور!	۹
گروگانهای آمریکایی عزیز تر از ۴ گروگان ایرانی!	۹
اعتراضها به بی توجهی وزارت خارجه به گروگانها	۱۲
چهار دیپلمات، زنده اند!	۱۴
در خواست عجیب هاشمی از مجامع جهانی!	۱۵
هفت سال طول کشید تا خاتمی نماینده معرفی کند!	۱۶
ربیعی، نوشدارو یا نیش دارو؟!	۱۷
چه کسی از بازگشت متوسلیان نگران بود؟	۱۷
آقای رضایی! تا حالا کجا بودید؟	۱۸
سانسور ربوده شدن چهار دیپلمات در خاطرات هاشمی	۱۹
کارشکنی ماست فروشها!	۲۰
آزادی ۳ گروگان توسط متوسلیان	۲۰
باز هم کارشکنی در طرح آزادسازی	۲۰
اخبار زنده بودن گروگانها تا سال ۸۲	۲۱
ربیعی هم هیچ اقدامی نکرد!	۲۱
چند پرسشِ تاریخیِ بی جواب مانده!	۲۲

از آزادی خرمشهر تا آزادی جنوب لبنان

دوازده روز پس از آزادسازی خرمشهر در خرداد سال ۱۳۶۱، تهاجم وحشیانه ارتش اسرائیل به جنوب لبنان آغاز شد. نیروهای اسرائیلی در عرض یک هفته خود را به بیروت رسانده و این شهر را به محاصره خود درآوردند. جمهوری اسلامی ایران که اشغال لبنان را پاسخی به عملیات الی بیت المقدس و آزادی خرمشهر می دید، تصمیم به پشتیبانی از دولت لبنان گرفت و با تأیید امام خمینی، یک هیئت عالی رتبه نظامی ایران روانه سوریه شد که احمد متوسلیان ـ فرمانده تیپ محمد رسول الله (ص) ـ به عنوان یکی از مجرب ترین فرماندهان و کارشناسان نظامی، در آن هیئت حضور داشت.

با هماهنگی های انجام شده، متوسلیان به تهران بازگشت و طی چند روز، با فراخوان همرزمان خود در پادگان امام حسین (ع)، حرکت به سوی لبنان را اعلام کرد و در ابتدای امر، به همراه پانصد نفر از داوطلبین تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)، عازم سوریه شد و آنان را تحت عنوان قوای محمد رسول الله (ص)، در پادگان "زبدانی" واقع در نزدیکی مرز لبنان مستقر کرد .چندی بعد با تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر ورود به خاک عراق، قسمت اعظم قوای ایرانی مستقر در سوریه که به دلیل برخی مسائل جاری میان مسئولان سوری، هنوز موفق به رویارویی مستقیم با رژیم اشغالگر قدس نشده بودند، باید به ایران باز می گشتند تا در عملیات بزرگ آتی که "رمضان" نام داشت، شرکت کنند . احمد متوسلیان که قصد داشت پیش از بازگشت، برای مشاهده خطوط اسرائیل در بیروت و تهیه گزارشی از وضع موجود آن، سفری به این شهر داشته باشد، تصمیم خود را با سفیر ایران در سوریه حجت الاسلام محتشمی پور، در میان گذاشت و علی رغم مخالفت او با این عمل، با اصرار فراوان آماده حرکت به سمت بیروت شد.[۱]

ربودن حاج احمد در راه اجرای فرمان امام

سردار سعید قاسمی نیز نقل می کند در صبح روز ۱۴ تیر ۶۱ در حالی که وی به همراه حاج همت سعی داشتند تا حاج احمد متوسلیان را از رفتن به بیروت منصرف کنند، حاج احمد می گوید:

---

[۱] حمید داود آبادی ." کمین جولای ۸۲ ". تهران: نشر غنچه ، ۱۳۸۴ . ص ۳۹۲

حضرت امام به بنده امر کرده اند گزارشی از وضعیت شیعیان جنوب لبنان را تهیه کنم و برای ایشان ببرم، لذا بهتر است خودم به این مأموریت بروم .[۲]

احمد متوسلیان به همراه سید محسن موسوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و تقی رستگار مقدم، در بعد از ظهر روز ۱۴ تیر ماه ۱۳۶۱ در حالی که با یک اتومبیل مرسدس با پلاک رسمی و کد دیپلماتیک، در جاده ساحلی طرابلس ـ بیروت به سوی پایتخت در حرکت بودند و توسط یک اتومبیل نیروهای امنیت داخلی لبنان ویژه امنیت سفارتخانه های خارجی اسکورت می شدند، در پست بازرسی "بربارہ" توسط شبه نظامیان مسیحی موسوم به فالانژیست، متوقف و ربوده شدند. شواهد موجود حکایت از آن دارد که نیروهای فالانژ به سرکردگی ایلی حبیقه و سمیر جعجع این چهار نفر را ربوده و پس از مدتی آنها را تحویل صهیونیست ها دادند .[۳]

رادیو اسرائیل: طراح عملیات فتح المبین به اسارت گرفته شد!

دقایقی بعد از ربوده شدن احمد متوسلیان و همراهانش، رادیو اسرائیل اعلام می کند: ژنرال احمد متوسلیان، طراح عملیات فتح المبین و بیت المقدس، در پست بازرسی "بربارہ" به اسارت گرفته شد. این نشان می دهد که او را خوب می شناختند! مغز متفکر آزادسازی خرمشهر و فرمانده نیروهایی که عراق را به خاک سیاه نشاندند و داغ "محمره" را بر دلش گذاشتند؛ انگار همه چیز حساب شده بود![۴]

سید رائد موسوی فرزند سید محسن موسوی و دبیرکل انجمن حمایت از دیپلمات های ربوده شده ایرانی، طی مصاحبه ای اظهار می دارد: قطعاً اسرائیلی ها روی حاج احمد متوسلیان تمرکز جدی داشتند. همه رسانه های سوریه اعلام کرده بودند که حاج احمد متوسلیان به عنوان فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) برای جنگ با اسرائیل آمده است ... وقتی دیپلمات ها به سمت بیروت در حرکت بوده اند، اسکورت ارتش لبنان همراه اینها بوده و آنها هم با بیسیم هر دقیقه خبر می دادند

---

[۲] حسین بهزاد . گل علی بابایی ." همپای صاعقه ". تهران : حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۹ . ص ۷۸۲

[۳] سید عبدالرضا خراسانی ." سی سال با دستان بسته ". هفته نامه پنجره . ۱۷ تیر ۱۳۹۱ . ص ۴۲

[۴] رقیه کیه ." راه بی بازگشت ". هفته نامه پنجره . ۱۷ تیر ۱۳۹۱ . ص ۴۸

که ما داریم می آییم. در واقع کل اطلاعات برباد رفته بود و حتی احتمال اینکه در بین ماشین های اسکورت، عامل نفوذی هم بوده باشد، بالای ۹۰ درصد است. ارتشیان لبنان اکثراً مسیحی هستند و خیلی قابل اعتماد نیستند.

اینها راه می افتند و شب را هم در بعلبک می خوابند و فردایش دوباره حرکت می کنند. به نظر می رسد کل اطلاعات لو رفته بوده که چنین تیمی دارد می آید .قطعاً ارتش اسرائیل روی این تیم تمرکز و برنامه ریزی داشته است ... وقتی این چهار نفر رسیدند، ایشان را نگه داشتند و پس از کنترل گذرنامه ها، اعلام کردند که این همان ماشینی است که دنبال آن بودیم. سپس ایرانی ها را از لبنانی ها جدا کرده و لبنانی ها را رها می کنند و فقط ایرانی ها را می برند. یعنی نوع واقعه نشان می دهد که با برنامه ریزی بوده و اتفاقی نبوده است.[۵]

گروگان گرفتن نماینده سیا توسط حزب الله

منصور کوچک محسنی جانشین احمد متوسلیان در نیروهای ایرانی در لبنان، در این باره می گوید: روز ۱۴ تیر، ساعت ۱ بعد از ظهر به ما خبر دادند حاج احمد متوسلیان را گروگان گرفته اند. ما یک دفتر کوچکی در بعلبک داشتیم که بیشتر جلسات را با شیخ عباس موسوی و ابوهشام، آنجا برگزار می کردیم. تا ساعت ۳ شب جلسه داشتیم. ابوهشام آدم کارکشته سیاسی نظامی بود. ایشان پیشنهاد کردند که در مقابل حاج احمد، تعدادی از نیروهای فالانژیست را به گروگان بگیریم تا بتوانیم در زمان مقرر مبادله کنیم که بنده پیشنهاد ایشان را پذیرفتم.

بنا بر این چندی بعد ۷۰ نفر از نیروهای فالانژیست را به گروگان گرفتیم. اما نگهداری اینها مشکل بود. مشکل اساسی دیگری که داشتیم این بود که سفارتخانه مرتب از ما جواب می خواست و تماس می گرفت که در نهایت ما کلاً با سفارت قطع رابطه کردیم.

تصمیم گرفتیم گروگان هایی که مؤثرتر هستند را نگه داشته و بقیه را آزاد کنیم. چند روز بعد از این ماجرا، بچه های جنوب لبنان آمدند و گفتند این آدم هایی که گرفته اید آدم های بزرگی هستند اما ما می خواهیم کسی را گروگان بگیریم که از اینها مهمتر است.

گفتیم چه کسی است ؟ گفتند یک آمریکایی به نام دیوید دوج که نماینده سازمان سیا در خاورمیانه است. گفتیم اگر می توانید خودتان انجام دهید؛ ما نمی توانیم برای شما تعیین تکلیف کنیم. اینها

---

[۵] سید ابوطالب موسوی ."پرونده ربایش ؛ بیم ها و امیدها ". هفته نامه پنجره . ۱۷ تیر ۱۳۹۱ . ص ۴۸

رفتند و دیوید دوج آمریکایی را به گروگان گرفتند و حرفشان این بود که این گروگان باید با حاج احمد متوسلیان معاوضه شود... با بچه هایی که بعداً جزء حزب الله شدند، مرحله به مرحله پیش می رفتیم که یک روز آقای شمخانی و شهید داود کریمی از تهران با ما تماس گرفتند و گفتند که چنین بحث هایی (!) مطرح شده است .[۶]

تلاش شهید همت برای آزاد کردن حاج احمد

در کنار اقدامات فوق، برخی از یاران حاج احمد، در تاریخ ۱۹ تیر ۶۱ از مسئولین مرکز درخواست اجازه جهت انجام عملیات نظامی برای آزاد کردن حاج احمد را می کنند اما با پاسخ منفی روبرو می شوند. جعفر جهروتی زاده که به همراه متوسلیان به لبنان رفته بود، در این باره می گوید: بنده خوب به یاد دارم که برادرهای عزیز مان حاج همت، دستواره، حاجی پور و سایر مسئولین قوای محمد رسول الله (ص) اصرار داشتند به هر شکل ممکن از تهران مجوز بگیرند و برای آزادسازی حاج احمد و همراهان او از چنگال فالانژیست ها اقدامی بکنند؛ منتها از ایران دستور رسید که به هیچ وجه تحت تأثیر احساسات و عواطف قرار نگیریم [!] و با هوشیاری، خونسردی مان را حفظ کنیم.

ضمناً خبر دادند که قرار است هیئت عالی رتبه ای برای حل این مسئله از تهران به دمشق بیاید . متأسفانه بنابه یک سری دلایل، برادران ما، حاج همت و دیگران موفق نشدند از هیئت مزبور در رابطه با عملیات نظامی با هدف آزادسازی حاج احمد و دوستانش، مجوز دریافت کنند.[۷]

وقتی هاشمی زحمت عماد مغنیه را بر باد داد!

حجت الاسلام موسی فخر روحانی سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در بیروت، طی سخنانی در مورد ربوده شدن دیوید دوج، اظهار داشت: چند روزی پس از ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی، سران سازمان آزادیبخش فلسطین به سفار ت ایران آمدند و گفتند:

امروز دیوید دوج رئیس دانشگاه آمریکایی بیروت، ربوده شد و ما فکر می کردیم دوستان ما که متمایل به اتحاد جماهیر شوروی هستند، او را ربوده اند و بعد معلوم شد که کار آنها نبوده است. بنابر این روی احزاب و گروه های گوناگون کار کردیم و سرانجام به این نتیجه رسیدیم که طرفداران شما

---

[۶] منصور کوچک محسنی ." هفتاد فالانژیست را گرو گرفتیم ". هفته نامه پنجره . ۱۷ تیر ۱۳۹۱ . ص ۵۵

[۷] همپای صاعقه . پیشین ، ص ۷۸۶

او را ربوده‌اند. از اینرو آمده ایم از شما برای نجات وی کمک بگیریم. گفتم: دیوید دوج فقط رئیس دانشگاه آمریکایی بیروت نبود؛ او رئیس C.I.A در خاور میانه هم بود .[۸]

صبح روز بعد، معلوم می شود که عماد مغنیه، عامل ربودن دیوید دوج بوده است.

حجت الاسلام فخر روحانی در ادامه مصاحبه می گوید: ما می توانستیم به سهولت گروگان ها را جابجا [مبادله] کنیم؛ اما چه کردیم؟ آقای هاشمی رفسنجانیدوج را به درخواست حافظ اسد تحویل سوریه داد و او از آنجا راحت به آمریکا رفت.[۹]

صدور فرمان عقب نشینی در یک قدمی آزاد سازی حاج احمد!

حجت الاسلام علی قنبری که جزو نیروهای اعزامی به لبنان بوده است، در مورد شناسایی سه نفر آمریکایی از میان فالانژ ها می گوید: " از میان ۷۰ گروگان فالانژیست، نیروهای جنبش امل سه نفر از آنها را که آمریکایی بودند، جدا کردند تا با حاج احمد متوسلیان و سه نفر همراهش مبادله کنند. " یکی دو ماه بعد، به درخواست آمریکا و اسرائیل، قرار می شود که گروگان های آمریکایی با حاج احمد متوسلیان و همراهانش مبادله شوند. اما یک روز قبل از موعد تبادل گروگان های آمریکایی، فردی به نام کنعانی به همراه رفیق دوست به لبنان رفته و اظهار می دارد که از طرف محسن رضایی [فرمانده سپاه] به عنوان جانشین احمد متوسلیان منصوب شده و آقای کوچک محسنی دیگر سمتی ندارد.

هنگامی که کوچک محسنی به کنعانی می گوید قرار است فردا مبادله صورت گیرد، اجازه دهید تا ما فردا این مبادله را انجام دهیم و حاج احمد را آزاد کنیم، وی پاسخ می دهد که شما دیگر مسئولیتی ندارید و خودمان این کار را پیگیری می کنیم.

رفیق دوست نیز به کوچک محسنی می گوید که شما همین الان باید به تهران برگردید. کوچک محسنی به رفیق دوست می گوید ما می خواهیم سمیر جعجع را بگیریم اما رفیق دوست وی را به فرودگاه دمشق برده و روانه ایران می کند.

روز بعد، گروگان های آمریکایی به دولت سوریه تحویل داده می شوند تا آنها با تعدادی از نظامیان خود که در دست اسرائیلی ها بودند، مبادله کنند . اسرائیلی ها که می بینند طرف مقابل تمایلی به

---

[۸] عباس پرورده ." به تلافی چهار دیپلمات ، عماد مغنیه ، دیوید دوج آمریکایی را گروگان گرفت ". هفته نامه پنجره . ۱۷ تیر ۱۳۹۱ . ص ۴۷

[۹] همان . ص ۴۷

تحویل گرفتن احمد متوسلیان و همراهانش ندارد، آنها را مجدداً به اسرائیل باز می گردانند.

دندان کرم خورده را انداختیم دور!

مدتی پس از این ماجرا، یکی از اعضای سپاه تعریف می کند که یک روز در جلسه ای در مقر سپاه در تهران واقع در خیابان فلسطین، از یکی از مسئولین سپاه سؤال می شود که این چه برخوردی بود که با حاج احمد متوسلیان کردید ؟ مگر قرار نبود که در تبادل با اسرائیل ، او آزاد شود؟ اما فرد مقابل پاسخ می دهد : " احمد متوسلیان دندان کرم خورده ای بود که ما آنرا کندیم و انداختیم دور! " معلوم شد که احمد متوسلیان به دلیل اینکه از قبل با برخی آقایان اختلاف سلیقه داشته، لذا تبدیل به دندان کرم خورده شده و بعد هم او را دور انداختند!!

یکی از دوستان نزدیک حاج احمد متوسلیان نقل می کند که حاج احمد به دو نفر در سپاه لقب "ماست فروش" داده بود و معتقد بود که "اینها عناصر عملیاتی نیستند و فقط بلدند در ستاد بنشینند و دستور بدهند." به نظر می رسد که همین دو نفر تشخیص دادند که احمد متوسلیان دیگر تبدیل به دندان کرم خورده شده و باید او را دور انداخت! نقل شده که وقتی این دو نفر خبر اسارت حاج احمد را می شنوند، بسیار خوشحال می شوند!

گروگانهای آمریکایی عزیز تر از ۴ گروگان ایرانی!

از تیر ماه ۱۳۶۱ تا مرداد سال ۱۳۷۵ ، بارها و بارها برخی آقایان برای آزادی گروگان های آمریکایی و اروپایی میانجی گری می کنند و دهها نفر از آنها را آزاد می کنند. اما دریغ از اینکه حتی یکبار آزادی گروگان های غربی را موکول به آزادی حاج احمد و همراهانش کنند. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۶۴، روزنامه واشنگتن پست طی مقاله ای در مورد ماجرای گروگان گیری هواپیمای تی. دبلیو. ای نوشت: "رئیس مجلس ایران نقش عمده ای در آزادسازی ۳۹ تن آمریکایی گروگان هواپیمای ربوده شده تی. دبلیو. ای ایفا کرده است.

اکبر هاشمی رفسنجانی هنگام دیدار از دمشق، برای آزادی گروگان ها پافشاری کرد. رفسنجانی چندین عضو گروه شیعه افراطی حزب الله و دیگر رهبران شیعه را فراخواند و به گفته یک مقام

آمریکـایی، گفـت و گوهـای دشـواری را بـرای رهـایی گروگـان هـا بـا آنهـا انجـام داد"[۱۰] ایـن ۳۹ گروگـان آمریکایی در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۴ آزاد شدند.[۱۱]

میرحسین موسـوی نخسـت وزیـر وقـت نیـز در تـاریخ ۱۷ تیـر ۱۳۶۴ در مصـاحبه مطبوعـاتی مـی گویـد: مـا بارها اعلام کرده ایم بـا هواپیمـا ربـایی مخـالفیم، آن هـم بـه دلیـل ملاحظـات انسـانی و یقینـاً موضـع مـا در این زمینه توانست در آزادی گروگان های آمریکایی هواپیمای ربوده شده آمریکا مؤثر باشد .[۱۲]

در موردی دیگـر، آقـای هاشـمی در یادداشـت مـورخ ۲۳ مـرداد ۱۳۶۴ خـود مـی نویسـد :بـه آقـای محسـن رضایی گفتم خـوب اسـت سـپاه در لبنـان تـلاش کننـد تـا سـرنخی از عوامـل گروگـان گیـری آمریکـایی هـا پیدا کنند که در مقابل آزادی اسرای لبنانی در اسرائیل و نجات گروگان ها کمک کنیم .[۱۳]

در تـاریخ ۲۴ شـهریور ۱۳۶۴ (۱۵ سـپتامبر ۱۹۸۵) یـک گروگـان آمریکـایی بـه نـام بنجـامین ویـز در معامله معروف به مک فارلین آزاد می شود .[۱۴]

در اردیبهشـت ۶۵ نیـز مسـئله کمـک بـه آزادی گروگـان هـای فرانسـوی مطـرح مـی شـود .در یادداشـت مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ آقـای هاشـمی چنـین آمـده : دکتـر حسـن روحـانی و دکتـر محمـد علـی هـادی آمدنـد. دربـاره گـرم گـرفتن بـا فرانسـه و کمـک بـه آزادی گروگـان هـای فرانسـوی در لبنـان ، توصـیه مـی کردند.[۱۵]

همان گونه که ملاحظـه مـی شـود، فکـر و ذکـر همـه آقایـان، کمـک بـه آزادی گروگـان هـای غربـی اسـت و تنهـا چیـزی کـه در ایـن میـان اهمیتـی نـدارد، آزادی احمـد متوسـلیان و همراهـانش مـی باشـد. چندی بعد، با وساطت ایران ، یک گروگان دیگر غربی در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۶۵ در لبنان آزاد شد.[۱۶]

---

[۱۰] هادی نخعی و حمید رضا مشهدی فراهانی ." توسعه روابط با قدرت های آسیایی ."تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۳ .ص ۳۳۲

[۱۱] همان . ص ۳۴۵

[۱۲] همان . ص ۳۵۰

[۱۳] اکبر هاشمی رفسنجانی ." امید و دلواپسی ". به اهتمام سارا لاهوتی . تهران: دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۷ . ص ۲۱۹

[۱۴] جهانگیر منجزی ." شما بگوئید مجرم کیست ؟ ترجمه ای از گزارش کمیسیون تاور ". هوستون : مؤلف ، ۱۳۶۶ . ص ۱۱۰

[۱۵] اکبر هاشمی رفسنجانی ." اوج دفاع ". تهران: دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۸ . ص ۹۷

[۱۶] مهدی انصاری و دیگران ." ماجرای مک فارلین ". تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۰ . ص ۴۲

در تاریخ دوم نـوامبر ۱۹۸۶ (۱۱ آبـان ۱۳۶۵) نیـز یـک گروگـان دیگـر آمریکـایی بـه نـام دیویـد جاکوبسـن آزاد می شود.[۱۷]

یکی از کسانی که در رابطـه بـا آزادی گروگـان هـای غربـی فعالیـت مـی کنـد، آقـای ولایتـی ـ وزیـر خارجـه وقـت ـ مـی باشـد. در یادداشـت ۱۳ آبـان ۱۳۶۵ آقـای هاشـمی چنـین مـی خـوانیم: دکتـر ولایتـی آمـد و خواست که کمک کنیم تـا دو نفـر از گروگـان هـای فرانسـوی در اختیـار سـوری هـا قـرار گیرنـد . قـرار شـد در جلسه فردا تصمیم گیری شود .[۱۸]

در نتیجـه ایـن تـلاش هـا، در تـاریخ ۱۹ آبـان ۱۳۶۵ نیـز دو گروگـان فرانسـوی در لبنـان آزاد شـدند. روز بعد، کاردار فرانسه در تهـران، در دیـدار بـا وزیـر خارجـه ایـران [دکتـر ولایتـی] از کمـک هـای ایـران بـرای حل مشکلاتش در لبنان سپاسگزاری کرد .[۱۹]

به نظر می رسد اکنـون نوبـت آن رسـیده باشـد کـه جنـاب آقـای ولایتـی بعـد از سـه دهـه سـکوت، بگوینـد که برای آزادی گروگان های ایرانی نیز چقدر تلاش کرده اند؟!

آقـای هاشـمی در یادداشـت ۱۰ آذر ۱۳۶۵ خـود نیـز مـی نویسـد: آقـای احمـد وحیـدی مسـئول اطلاعـات سـپاه آمـد. برنامـه عملیـات را گفـت و مشـورت کـرد و گفـتم یـک گروگـان فرانسـوی در لبنـان، اگـر بـا شفاعت ما آزاد شود، خوب است.[۲۰]

آقـای هاشـمی رفسـنجانی در تـاریخ ۱۹ فـروردین ۱۳۶۶، در مصـاحبه بـا کیهـان هـوایی، در مـورد نقـش خود در آزادی گروگان های غربـی مـی گویـد: در رابطـه بـا هواپیمـای تـی. دبلیـو. ای، آنهـا حـدود هـزار نفـر را آزاد کردند که خودم آنجـا دخالـت کـرده بـودم . همـین حـالا هـم حاضـریم بـه آزادی گروگـان هـا کمـک کنیم. ما مسئولیتی در لبنان نـداریم ولـی قبـول داریـم بـرای اینکـه یـک انسـان راحـت شـود ، کمـک کنـیم .[۲۱]

هاشمی رفسنجانی نیـز بایـد بـه ایـن سـوال افکـار عمـومی پاسـخ دهـد کـه وقتـی ایـن همـه دغدغـه راحـت شـدن گروگـان هـای غربـی را داشـته، چقـدر بـرای آزادی احمـد متوسـلیان و یـارانش از سـوی او تـلاش صورت گرفته است ؟!

---

[۱۷] شما بگوئید مجرم کیست ؟ پیشین ، ص ۱۲۹

[۱۸] اکبر هاشمی فسنجانی . اوج دفاع . پیشین ، ص ۳۳۵

[۱۹] مهدی انصاری و دیگران . ماجرای مک فارلین . پیشین ، ص ۳۷

[۲۰] اوج دفاع . پیشین ، ص ۳۶۱

[۲۱] همان . ص ۴۶

رادیو صدای آمریکا نیز در تاریخ ۱۳ مرداد ۶۸ در باره پیشنهاد آقای هاشمی برای حل مسئله گروگان ها گزارش داد:" اکبر هاشمی رفسنجانی امروز جمعه به ایالات متحده در مورد حل بحران گروگان ها در لبنان پیشنهاد کمک کرد و گفت برای آزاد ساختن گروگان های غربی در لبنان ، راه حلی عاقلانه وجود دارد . وی خواستار این شد که آمریکا از اسرائیل بخواهد که یک روحانی شیعه را که هفته گذشته در جنوب لبنان ربوده ، آزاد کند ".[۲۲]

آیا در کنار طرح این مسئله، هاشمی نمی توانست آزادی متوسلیان و همراهانش را نیز مطرح کند؟!

در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۹، آقای کمال خرازی نماینده ایران در سازمان ملل، در یک مصاحبه تلویزیونی می گوید: بر اساس شواهد به دست آمده از اظهارات اخیر سمیر جعجع و دیگر عوامل فالانژیست، چهار گروگان ایرانی هنوز زنده اند .جمهوری اسلامی ایران به دلایل انسانی، همه تلاش های خود را برای آزادی همه گروگان ها، صرف نظر از ملیت آنها، به کار برده است.[۲۳]

در شهریور ماه ۱۳۶۹، منصور رحمه از بازرگانان معروف مسیحی بیروت که روابط بسیار نزدیکی با سمیر جعجع دارد، در ملاقاتی در هتل سامرلند بیروت گفته بود: دیپلمات های ایرانی زنده اند و مدتی است که به اسرائیل منتقل شده اند .حتی وقتی که آنها در لبنان بودند، تصمیم در مورد سرنوشت آنها در اختیار موساد بود.[۲۴]

اعتراضها به بی توجهی وزارت خارجه به گروگانها

رضا اخوان طی مقاله ای در هفته نامه کیهان هوایی می نویسد: در ملاقاتی که به همراه خانواده گروگان ها در تاریخ ششم آذر ۱۳۶۹ با وزیر امور خارجه {دکتر ولایتی} داشتیم، ایشان تأکید کردند:" ایران به کوشش خود برای آزادی گروگان های ایران ادامه خواهد داد و از این قضیه چشم پوشی نخواهد کرد". اما پس از آزادی گروگان های غربی، دلایل و شواهد مشهود، خلاف این ادعا را ثابت کرد و سرنوشت آنان به فراموشی سپرده شد. مهمترین عاملی که می توانست در آزادی گروگان

---

[۲۲] اکبر هاشمی رفسنجانی ." بازسازی و سازندگی ". به اهتمام علی لاهوتی . تهران: دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۹۰ . ص ۲۵۵

[۲۳] حمید داود آبادی ." کمین جولای ۸۲ ". پیشین ، ص ۲۵

[۲۴] حمید داود آبادی ." کمین جولای ۸۲ ". پیشین ، ص ۲۵

های ایرانی مؤثر باشد، آن بود که وزارت امور خارجه، آزادی آنها را پیش شرطی برای رهایی گروگان های غربی قرار می داد و ایران باید با تضمین آزادی تمامی گروگان ها، به میانجی گری می پرداخت.
اسرائیل، غرب و سازمان ملل قول هایی داده بودند که پس از آزادی گروگان های غربی، همه آنها را به فراموشی سپردند و معلوم نشد که چرا گروگان های غربی بدون هیچ پیش شرطی به طور یکطرفه آزاد شدند ؟![۲۵]

26خرداد ۱۳۷۰ ، علی اکبر محتشمی پور سفیر سابق ایران در سوریه، طی مقاله ای در روزنامه جهان اسلام می نویسد: تأسف بار اینکه رسانه های ارتباط جمعی و سیاست گذاران خارجی جمهوری اسلامی ایران در وزارت خارجه نیز هیچ گونه اقدام جدی در محافل بین المللی و در داخل کشور ، برای آزادی مسلمانان اسیر در غرب و در فلسطین اشغالی و همچنین برای آزادی دیپلمات های ایرانی در لبنان نمی کنند.[۲۶]

آقای کمال خرازی پس از آزادی گروه دیگری از گروگان های غربی در بهمن ۱۳۷۰، در مصاحبه با ماهنامه میدل ایست اظهار داشت: با وجودی که ما در مسائل بشر دوستانه مانند آزادی گروگان ها کمک کردیم، معهذا در واشنگتن هیچ چیز تغییر نکرده است .[۲۷]

رضا اخوان طی مقاله ای در هفته نامه کیهان هوایی به تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۷۲ می نویسد: «نمایندگان مجلس، در سال ۱۳۷۰ بیانیه ای خطاب به وزیر امور خارجه]دکتر ولایتی[در مورد نکوهش آزادی بی قید و شرط گروگان های غربی امضاء کردند. اما متأسفانه وزارت امور خارجه به جای پاسخ صریح و روشن د ر مورد قضیه گروگان های ایرانی، رویه سکوت و پرده پوشی را در پیش گرفته است. سکوت توجیه ناپذیر وزارت امور خارجه چه دلیلی دارد؟[۲۸]

روزنامه جمهوری اسلامی طی مقاله ای به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۷۵، با عنوان "به بهانه گذشت بیش از ۵۴۰۰ روز از اسارت چهار ایرانی در لبنان" به موضع گیری های ضعیف مسئولین و ارگان های دولتی بخصوص وزارت امور خارجه در قبال سرنوشت چهار ایرانی مفقود شده در لبنان پرداخته بود .[۲۹]

---

[۲۵] کمین جولای ۸۲ . پیشین ، ص ۳۱۴
[۲۶] همان . ص ۳۴
[۲۷] همان . ص ۳۱۵
[۲۸] همان . ص ۳۱۵
[۲۹] همان . ص ۵۸

روزنامه سلام نیز طی مقاله ای در تیر ماه ۱۳۷۵ می نویسد: چهار ایرانی به گروگان گرفته شده، اولین قربانیان بحران موسوم به گروگان گیری در جنگ داخلی لبنان هستند و دهها تن دیگر نیز بعد از آنها در لبنان به گروگان گرفته شدند.

اما با وجود آنکه گروگان های غربی با کمک و مساعدت جمهوری اسلامی ایران آزاد شده و به نزد خانواده هایشان بازگشتند، اما نه کسی تا کنون حاضر شده که به طور جدی برای تعیین سرنوشت گروگان های ایرانی به جمهوری اسلامی ایران کمک کند و نه مسئولان دستگاه دیپلماسی کشورمان حاضرند بپذیرند که هنگام مساعدت به آزادی گروگان های غربی در لبنان، تضمین کافی برای آزادی گروگان های ایرانی دریافت نکرده اند.[۳۰]

روزنامه جمهوری اسلامی نیز طی مقاله ای در مرداد ماه ۱۳۷۵ می نویسد: طی چند روز گذشته، در خبرها آمده بود که با میانجی گری اشمیت باور مسئول دفتر هماهنگی سازمان های اطلاعاتی و امنیتی صدراعظم آلمان، میان حزب الله و رژیم صهیونیستی، در ازای آزادی ۴۵ اسیر دربند رژیم اشغالگر قدس و تحویل پیکرهای مطهر ۱۴۰ تن از شهدای مقاومت، جسد ۲ سرباز اسرائیلی تحویل آن رژیم داده و 17 تن از مزدوران ارتش آنتوان لحد نیز آزاد شدند. در همین رابطه، مقامات آلمانی از کلیه جناح های منطقه ای که در روند این مبادله نقش داشتند، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، تشکر کردند و اشمیت باور گفته است اکنون به همکاری ایران دست یافته ایم و امیدواریم هر چه زودتر کلیه اسرا مبادله شوند.[۳۱]

همان گونه که ملاحظه می شود، آقایان تا مرداد ۱۳۷۵ ـ یعنی ۱۴ سال پس از اسارت احمد متوسلیان و همراهانش ـ بارها و بارها اقدام به میانجی گری یک طرفه برای آزادی گروگان های غربی کرده اند بدون آنکه آزادی آنان را موکول به آزادی گروگان های ایرانی نمایند! آیا این شیوه عمل ناشی از بی دقتی و خطا بوده یا کاملاً آگاهانه و حساب شده؟!

چهار دیپلمات، زنده اند!

در خرداد ماه ۱۳۷۶، احمد حبیب الله رئیس کمیته دفاع از حقوق زندانیان خارجی در اسرائیل، اعلام کرد: من از جانب اسرائیلی ها تأکید می کنم چهار ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربوده شدند،

---

[۳۰] همان . ص ۵۹

[۳۱] همان . ص ۶۲ – ۶۱

زنده هستند. احمد حبیب الله در چند سال قبل از آن نیز در مصاحبه های گوناگون مطبوعاتی اظهار داشته بود :گروگان های ایرانی زنده و در زندان های اسرائیل هستند.[۳۲]

در یکی از مقالات ماهنامه صبح به تاریخ مهر ۱۳۷۶، چنین آمده: یکی از زندانیان فلسطینی آزاد شده از زندان عتلیت تل آویو، ضمن تماس با دفتر سازمان عفو بین الملل در لندن، تأکید کرد که در زمان اسارتش در زندان عتلیت، یک بار در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) گروگان های ایرانی را با چشمان خود دیده است.[۳۳]

ماهنامه نداء القدس نیز در تاریخ پنجم مارس ۱۹۹۸ (۱۵ اسفند ۱۳۷۶) نوشت :منابع امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین اعلام کردند که چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ هنگام اشغال لبنان توسط نیروهای رژیم صهیونیستی به اسارت این نیروها درآمده اند، هم اکنون در یکی از بازداشتگاه های رژیم صهیونیستی نگهداری می شوند.[۳۴]

در خواست عجیب هاشمی از مجامع جهانی!

حسین اخوان برادر کاظم اخوان، در مردادماه ۱۳۸۰ در نامه ای خطاب به محسن میردامادی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با انتقاد از عملکرد مجلس در دوره های چهارم و پنجم در قبال این مسئله، و همچنین با انتقاد از عملکرد دولت در قبال این مسئله، می نویسد:

اگر در یک کشور غربی این اتفاق می افتاد، برای دولتمردان آن کشور یک خجالت و فاجعه ملی محسوب می شد؛ اما در کشور ما آب از آب تکان نمی خورد و حتی عملکرد ۱۹ ساله آنان در قبال این قضیه، یعنی طولانی ترین گروگان گیری عصر حاضر، در معرض ارزیابی و تحلیل قرار نمی گیرد.[۳۵]

روزنامه رسالت در تیر ماه ۱۳۸۱ در خبری نوشت: حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، با اشاره به گذشت ۲۰ سال از حادثه ربوده شدن حاج احمد متوسلیان و سه تن دیگر از اتباع کشورمان در لبنان که

---

[۳۲] مهدی انصاری و دیگران .» ماجرای مک فارلین «. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۰. ص ۴۳

[۳۳] ذحمید داود آبادی . «کمین جولای ۸۲». تهران: نشر غنچه ، ۱۳۸۴. ص ۷۶

[۳۴] همان . ص ۷۷

[۳۵] همان . ص ۱۴۴

مصونیت دیپلماتیک داشته اند، خواستار فعال شدن مجامع بین المللی و جهانی برای مشخص شدن وضعیت آنان شد![۳۶]

آقای هاشمی در حالی برای مشخص شدن وضعیت گروگان های ایرانی، خواستار فعال شدن مجامع جهانی می شود که از سال ۱۳۶۱ تا پایان ریاست جمهوری خود ایشان، بارها و بارها گروگان های آمریکایی و اروپایی با وساطت خود ایشان آزاد شده اند ولی حتی در یک مورد هم آزادی آنها مشروط به آزادی گروگان های ایرانی نشده است!

هفت سال طول کشید تا خاتمی نماینده معرفی کند!

سید رائد موسوی سخنگوی خانواده های دیپلمات های ربوده شده، می گوید: [پس از دستگیری سمیر جعجع، فرمانده فالانژیست ها در لبنان] وزارت خارجه زمان آقای خاتمی می توانست کارهای مهمی انجام دهد. ولی کوتاهی زیادی در این پرونده صورت گرفت. متأسفانه کسی سراغ سمیر جعجع نرفت؛ در یک برهه هفت یا هشت ساله، اقدامی صورت نگرفت.[۳۷]

آقای موسوی در ادامه می افزاید: از اواسط دهه ۷۰ خیلی کوتاهی شد. وزارت خارجه [کمال خرازی] در آن زمان خیلی بد پیگیری کرد.

البته خود آقای خاتمی ـ به درخواست خانواده های گروگان ها ـ در دیداری که با حافظ اسد داشت، موضوع را مطرح کرد چون در آن زمان سوریه نفوذ زیادی در لبنان داشت؛ یعنی اگر در آن زمان همکاری خوبی بین ایران و سوریه برای پیگیری این پرونده شکل می گرفت که توافق آن را هم آقای خاتمی و حافظ اسد انجام داده بودند، به نتایج مطلوبی می رسیدیم.

در آن زمان هم سمیر جعجع زنده بود و هم ایلی حبیقه، یعنی دو مهره اصلی که در این پرونده بودند. سمیر جعجع در آن زمان در زندانی بود که تحت سیطره سوری ها قرار داشت و ایلی حبیقه هم که مهره خود سوری ها بود.

قرار شد که نماینده سوریه و ایران این موضوع را پیگیری کنند که همانجا حافظ اسد نماینده خودش را معرفی کرد. نماینده ای که حافظ اسد انتخاب کرد، سرلشکر قاضی کنعان، فرمانده کل لبنان بود و می توان گفت که قدرت و نفوذ او از رئیس جمهور لبنان هم بالاتر بود. اما ظاهراً شش یا هفت سال طول کشید تا آقای خاتمی نماینده خود را معرفی کرد و تقریباً سال آخر ریاست جمهوری

---

[۳۶] همان . ص ۱۶۰

[۳۷] سید ابوطالب موسوی . «پرونده ربایش ؛ بیم ها و امیدها». هفته نامه پنجره . ۱۷ تیر ۱۳۹۱ ، ص ۴۹

بـود کـه نماینـده معرفـی شـد! بدنـه وزارت خارجـه [تحـت مسـئولیت کمـال خـرازی] هـم اعتقـادی بـه پیگیری سرنوشت این چهار نفر نداشتند.[۳۸]

ربیعی، نوشدارو یا نیش دارو؟!

بعـدها سرلشـکر قاضـی کنعـان خودکشـی کـرد. پـیش از آن اگـر کسـی از ایـران مـی رفـت و پـای کـار مـی ایستاد، مـی توانسـت پرونـده را بـه نتیجـه برسـاند. سـمیر جعجـع و ایلـی حبیقـه را مـی آوردنـد و از ایـن دو نفر بازجویی می شد؛ حـداقل ایـن بـود کـه مـی توانسـتیم بـه اطلاعـات و مـدارک مهمـی دسـت پیـدا کنـیم اما خیلی کوتاهی شد.[۳۹]

سال آخر دولت خاتمی هم که علی ربیعی بـه عنـوان نماینـده ایـران معرفـی شـد، دیگـر حـافظ اسـد در قیـد حیات نبود؛ نماینده حـافظ اسـد نیـز خودکشـی کـرده بـود؛ سـوریه از لبنـان خـارج شـده بـود؛ ایلـی حبیقـه کشـته شـده بـود؛ سـمیر جعجـع از زنـدان آزاد شـده بـود؛ و عمـلاً همـه آن شـرایطی کـه در آن زمـان مهیـا بود و می شد وضعیت این دیپلمات ها را پیگیری کرد، از بین رفته بود.[۴۰]

چه کسی از بازگشت متوسلیان نگران بود؟

نگاهی به ایـن اتفاقـات نشـان مـی دهـد دولـت خـاتمی بنـا بـر احتمـال نزدیـک بـه یقـین طبـق یـک نقشـه حساب شده، آنقدر معرفـی نماینـده را بـه تـأخیر انـداخت تـا همـه شـواهد و قـرائن و سـر نـخ هـا و راههـای پیگیری موضوع، عملاً مسدود شوند!

دولت خاتمی موقعی نماینده معرفـی کـرد کـه مطمـئن شـد هـیچ کـار عملـی بـرای بازگردانـدن گروگـان هـا و یا اطلاع از وضعیت آنها نمـی تـوان انجـام داد! بـه راسـتی در کابینـه آقـای خـاتمی، چـه کسـی از بازگشـت احمد متوسلیان نگران بود و آمدن او را معادل برملا شدن دست خود می دانست؟!

سـید رائـد موسـوی در تـاریخ ۴ اردیبهشـت ۱۳۸۳ در گفتگـو بـا خبرگـزاری مهـر اظهـار مـی دارد: متأسـفانه مسئولان کشورمان برای جـان اتبـاع خـود ارزشـی قائـل نیسـتند .وقتـی کـه خبرنگـاری در عـراق ربـوده مـی شـود، شـاهد عکـس العمـل از سـوی کشـورهای آنـان هسـتیم و تمـام دسـتگاه سیاسـی آن کشـور بـه تکـاپو می افتد، ولی این روند هیچ گاه در ایران دنبال نمی شود.

---

[۳۸] همان . ص ۴۹

[۳۹] همان . ص ۴۹

[۴۰] **همان . ص ۴۹**

اگر به روند رسیدگی به وضع شهدای دیپلمات در مزار شریف و یا کشته شدن دبیر اول سفارت ایران در بغداد، یا ایرانیانی که در شهرهای مقدس عراق به شهادت می رسند توجه شود، همه ناشی از سهل انگاری مسئولین در قبال جان ایرانیان است. چندین ایرانی در عراق توسط نیروهای لهستانی کشته می شوند، نه تنها اعتراضی به لهستان نمی شود، بلکه وزیر دفاع [قای شمخانی] به آن کشور می رود و در مذاکرات خود هیچ اشاره ای به این مسئله نمی کند.

موسوی در خصوص نتایج کاری کمیته پیگیری نیز گفت: هر وقت که با این کمیته تماس گرفته می شود تا در جریان چگونگی کار قرار گیریم، آنها مسئله را امنیتی می دانند[!] و می گویند: تا زمان رسیدن به نتایج کامل، هیچ گونه اظهار نظری نمی کنیم.

در تمام مدت ریاست جمهوری آقای خاتمی، بارها از ایشان برای مشخص شدن وضع دیپلمات های ربوده شده ایرانی، خواستار ملاقات حضوری شده ایم که تا کنون این اقدام عملی نشده است و این نشان می دهد که تلاشی برای روشن شدن وضعیت آنها صورت نمی گیرد.[۴۱]

پس از چندی ظاهراً اعتراض خانواده های گروگان ها به گوش آقای خاتمی رئیس جمهور وقت می رسد و آنها موفق می شوند که در مرداد ۸۳ با رئیس جمهور ملاقات کنند. برادر کاظم اخوان طی رنجنامه ای خطاب به برادرش در مرداد ۱۳۸۳ می نویسد: بالاخره پس از هفت سال انتظار، موفق شدیم با آقای خاتمی ملاقات داشته باشیم و ایشان قول دادند که این موضوع را تا پایان ریاست جمهوری خود روشن کنند. پرونده نیز از دست کسانی که تعمداً آن را در هاله ای از ابهام قرار داده بودند، خارج شد و به کسان دیگری سپرده شده است.[۴۲]

این جمله نشان می دهد که تا آن هنگام، پرونده این موضوع در دست کسانی بوده که آن را تعمداً در وضعیت مبهم نگه داشته بودند.

آقای رضایی! تا حالا کجا بودید؟

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۸۳ در این مورد اظهار می دارد: به طور جدی پرونده ۴ دیپلمات ربوده شده را پیگیری می کنم[!] ما امکانات بین المللی خیلی خوبی داریم که می توانیم با دست گذاشتن روی آن امکانات، از طرف های روبروی این پرونده ـ از

---

[۴۱] کمین جولای ۸۲ . پیشین ، ص ۲۱۴

[۴۲] همان . ص ۲۳۰

فالانژهای لبنان گرفته تا کشورهای دیگر - بخواهیم تا جواب های روشن و مشخصی را برای مردم و خانواده هایشان ارائه دهند![۴۳]

محسن رضایی در حالی این سخنان را مطرح می کند که طی مدت حدود ۱۶ سال فرماندهی بر سپاه پاسداران، هیچ اقدام عملی از سوی ایشان برای آزادی گروگان ها صورت نگرفت. برای اینکه با بی اعتنایی جناب محسن رضایی نسبت به سرنوشت احمد متوسلیان و همراهانش، بیشتر آشنا

مطمئن باشید اگر مسئولان عالی نظام اراده کنند که این موضوع را به سرانجام برسانند، قطعاً این کار انجام خواهد شد.[۴۴]

البته در اینکه افرادی همچون دکتر علی اکبر ولایتی با تصدی حدود ۱۶ ساله پست وزارت خارجه و کمال خرازی با تصدی ۸ ساله پست وزارت خارجه و علی ربیعی نماینده ویژه خاتمی، باید پاسخ دهند که در مدت مسئولیت خویش، چه اقدام عملی در این رابطه انجام داده اند، شکی نیست - و البته باید پرسید که آیا شواهد و قرائن حاکی از آن نیست که این حضرات کوتاهی های بسیاری در این مسئله داشته اند؟ - اما باید به محسن رضایی نیز یادآور شد که ظاهراً ایشان فراموش کرده یکی از افرادی که بسیاری از این اسناد ارزشمند را با اروپایی ها امضاء کرده، هاشمی رفسنجانی بوده که اصولاً بحث مبادله گروگان های ایرانی، ظاهراً برای ایشان اهمیت چندانی ندارد!

سانسور ربوده شدن چهار دیپلمات در خاطرات هاشمی

برای اینکه روشن شود مسئله اسارت یکی از مهمترین فرماندهان نظامی جبهه های جنگ، چقدر برای هاشمی کم اهمیت است، کافی است نگاهی به یادداشت های روزانه ایشان در سال ۱۳۶۱ انداخت تا روشن گردد در حالی که جناب هاشمی در یادداشت های روزانه خود از ذکر کوچکترین و بی اهمیت ترین مسائل نیز غفلت نمی کند؛ اما از تاریخ ۱۴ تیر ۶۱ یعنی روز اسارت متوسلیان و همراهانش، تا پایان سال 61، حتی یک جمله در یادداشت های ایشان راجع به این موضوع دیده نمی شود !بدتر اینکه در هیچ کدام از مصاحبه ها و سخنرانی های ایشان در سال ۶۱ نیز کوچک ترین اشاره ای به این ماجرا وجود ندارد!

---

[۴۳] همان . ص ۲۵۴

[۴۴] همان . ص ۲۶۸

کارشکنی ماست فروشها!

اما در مورد این جمله محسن رضایی که گفته بود: «اگر مسئولان عالی نظام اراده کنند که این موضوع را به سرانجام برسانند، قطعاً این کار انجام خواهد شد»، باید گفت این کلام حقی است اما به شرط آنکه آن دو فردی که احمد متوسلیان به آنها لقب «ماست فروش» داده و گفته بود «اینها عناصر عملیاتی نیستند و فقط بلدند در ستاد بنشینند و دستور بدهند»ــ و البته طی سه دهه گذشته همواره در پست های مهمی نیز قرار داشته اند ـ دست از کارشکنی های خود بردارند و با انواع و اقسام برنامه ها و طرح ها، جلوی هر گونه اقدام عملی را سد نکنند!

آزادی ۳ گروگان توسط متوسلیان

جالب اینجاست، هنگامی که احمد متوسلیان پس از مدتی اقامت در لبنان و مشاهده اوضاع آنجا، برای دادن گزارش به تهران می آید، بعد از بازگشت دوباره به لبنان خبردار می شود که سه نفر از نیروهای ایرانی توسط مزدوران اسرائیل اسیر شده اند. وی بلافاصله اعلام می کند که چنانچه آنها نیروهای ایرانی را آزاد نکند، دست به عملیات نظامی علیه اسرائیل خواهد زد. اسرائیلی ها نیز که از این تهدید ترسیده بودند، فوراً سه نفر ایرانی را آزاد می کنند.

متاسفانه علی رغم ادعاهای مطرح شده توسط جناب رضایی ایشان برای آزادی احمد متوسلیان و همراهانش حتی برای یک بار هم که شده اسرائیلی ها را تهدید زبانی هم نکردند.

باز هم کارشکنی در طرح آزادسازی

سردار میرفیصل باقرزاده رئیس بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس، در حاشیه مراسم سالگرد گروگان ها در ۱۵ تیر ۱۳۸۴ به مطلب مهمی اشاره می کند. وی می گوید :دو سال است که بنیاد حفظ آثار در این رابطه اقداماتی را به عمل آورده و در همین زمینه برای پیگیری سرنوشت این ۴ دیپلمات ایرانی، طرحی را تهیه کرده بودیم که حدوداً چهار سال پیش [یعنی در سال ۱۳۸۰] در ستاد کل نیروهای مسلح مطرح شد ولی هنگامی که خواستیم این طرح را به اجرا بگذاریم، گفتند که در سطوح دیگر از جمله در وزارت امور خارجه این موضوع در حال پیگیری است[!!] و این همان طرحی بود که منجر به

آزادسازی تعدادی از اسرای حزب الله لبنان شد، اما متأسفانه در این بخش، موضوع باز گره خورد و متوقف شد.[۴۵]

همان گونه که ملاحظه می گردد، هر گاه که یک طرح عملیاتی برای آزادسازی گروگان ها مطرح می شود، آن کسانی که به هیچ وجه خواهان بازگشت احمد متوسلیان نیستند، فوراً به میدان آمده و با طرح کردن این مطلب که لازم نیست شما اقدامی انجام دهید و وزارت خارجه یا ارگان های دیگر در حال پیگیری این مطلب هستند؛ جلوی انجام هرگونه راهکار عملی را سد می کنند.

علیرضا اکبری مشاور سابق وزیر دفاع، در تیر ماه ۱۳۸۴ اظهار می دارد: بین سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶، دهها جاسوس یا افراد غربی در لبنان و خاورمیانه ربوده شدند که با وساطت و تلاش های دیپلماتیک ایران آزاد شدند، حال چگونه است که راجع به گروگان های خودمان این اتفاق نیفتاد؟![۴۶]

اخبار زنده بودن گروگانها تا سال ۸۲

سید رائد موسوی فرزند سید محسن موسوی، در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۸۴ در یک کنفرانس خبری اظهار داشت: آخرین اخبار ما از سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، حکایت از آن دارد که یک سال و نیم پیش، یکی از افرادی که در مبادله حزب الله و رژیم صهیونیستی توسط این رژیم آزاد شد، به ما گفت که این افراد را در زندان حیفا دیده و وقتی عکس افراد مختلفی را برای شناسایی به او نشان دادند، او تصویر این چهار نفر را شناسایی کرد.[۴۷]

این نشان می دهد حداقل تا سال ۱۳۸۲، این چهار نفر هنوز زنده بوده و در اسارت صهیونیست ها بسر می برده اند.

ربیعی هم هیچ اقدامی نکرد!

موسوی همچنین با اشاره به کم کاری کمیته ای که از جانب آقای خاتمی مسئول پیگیری این مسئله شده بود، گفت: متأسفانه کمیته ای که آقای خاتمی به ریاست علی ربیعی حدود یک سال و

---

[۴۵] همان . ص ۲۶۹

[۴۶] همان . ص ۲۷۹

[۴۷] همان . ص ۲۸۰

نیم پیش تشکیل داد، هیچ اقدام مؤثری انجام ندادند و در این یک سال و نیم، تنها کار این کمیته، دسته بندی اطلاعات موجود بود و حتی هیچ اطلاعات جدیدی نیز به آن افزوده نشد.[۴۸]

چند پرسشِ تاریخیِ بی جواب مانده!

در پایان، چند سوال از همه کسانی که به نوعی در جریان این ماجرا بوده اند به ویژه آقای م.ر و آقای ش باید پرسید؛ سوالاتی که پاسخ به آنها بسیاری از مسائل را روشن خواهد کرد: نام آن دو نفری که احمد متوسلیان در مورد آنها گفته بود: «اینها عناصر عملیاتی نیستند و فقط بلدند در ستاد بنشینند و دستور بدهند»چیست؟ گوینده این جمله که «احمد متوسلیان دندان کرم خورده ای بود که ما آنرا کندیم و انداختیم دور»، چه کسی بود؟

به راستی چه کسانی در این ۳۲ سال با انواع و اقسام کارشکنی ها و حیله ها ، مانع از بازگشت احمد متوسلیان و همراهانش شده اند؟ چه کسانی بازگشت احمد متوسلیان را مساوی با برملا شدن دست خود می دانند؟

چرا یک روز قبل از عملیات مبادله گروگان های ایرانی با گروگان های آمریکایی در سال ۶۱، معاون احمد متوسلیان از سمت خود برکنار و همان روز به ایران بازگردانده می شود؟ چرا اجازه داده نمی شود که وی در روز مبادله گروگان ها در صحنه حضور داشته باشد؟ چرا در روز مبادله، گروگان های آمریکایی آزاد می شوند اما از تحویل گرفتن گروگان های ایرانی خودداری می شود؟ چرا هیچ گاه آزادی گروگان های آمریکایی و اروپایی، موکول به آزادی احمد متوسلیان و همراهانش نشده است؟

به راستی که مظلومیت ۳۲ سال اسارت سردار مظلوم ژنرال احمد متوسلیان و همراهانش، می تواند پرده نفاق را از چهره برخی مدعیان انقلابی گری کنار بزند.

نویسنده : کامران غضنفریان

انتشار یافته در هفته نامه ۹دی هفتم و چهاردهم تیرماه ۱۳۹۳

---

[۴۸] همان . ص ۴۹